

إضاءة من نبوة يوسف ع روشنگری از نبوت یوسف ع

الآن، نعود إلى التركيز في ذكر يوسف ع في القرآن كنبى لا كمرسل، أي على علاقته مع الله أو ارتباط قضيته بالله، لا على ارتباط قضيته بالناس وتبليغهم، وقبل بيان الحكمة من ذلك (ومع أنها اتضحت مما سبق)، يجب أن نلاحظ أن نبوة يوسف ع كانت الرؤيا والكشف محوراً أساسياً فيها، فهو يرى رؤيا والسجين يرى رؤيا وفرعون يرى رؤيا، وكلها بالنتيجة تؤيد أحقية يوسف ع ونبوته ورسالته.

اکنون باز می‌گردیم به این مطلب که در قرآن، نبی بودن حضرت یوسف ع مورد تاکید و تمرکز قرار گرفته است و نه فرستاده بودنش؛ یعنی ارتباط او با خداوند یا ارتباط ماجرای او با خداوند، نه ارتباط وظایف او با مردم و تبلیغ آنان. پیش از بیان حکمت این موضوع (با اینکه با توجه به مطالب پیشین، واضح می‌باشد) باید به این نکته توجه داشته باشیم که در نبوت یوسف ع رؤیا و مکاشفه در مرکز قرار دارد و محور اصلی می‌باشد. او رؤیا می‌بیند، زندانی رؤیا می‌بیند و فرعون رؤیا می‌بیند و همه‌ی آنها حقانیت یوسف ع و نبوت او و رسالتش را تأیید می‌کنند.

إذن، فالرؤيا طريق لوحي الله إلى يوسف، والرؤيا طريق لإثبات نبوة يوسف ع ورسالته ﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ﴾ (غافر: ۳۴)، ومن البينات الرؤيا التي رآها كثيرون تؤيد نبوة يوسف.

بنابراین رؤیا راهی برای وحی الهی به یوسف، و همچنین رؤیا، راهی برای اثبات پیامبری و رسالت یوسف ع می‌باشد. «(و یوسف پیش از این با دلایل روشن بر شما مبعوث شد و شما از آنچه آورده بود، همچنان در شک می‌بودید. چون یوسف بمرد، گفتید: خداوند پس از او دیگر پیامبری نخواهد فرستاد؛ خدا گزاف کار شک‌آورنده را اینگونه گمراه می‌سازد)».

و از نشانی‌های رویا که بسیاری دیدند، نبوت یوسف تأیید می‌شود.

وإذا عرفنا أن يوسف في زمن ظهور الإمام المهدي ع هو وصيه (اليماني)، فقولهم (عليهم السلام): إن فيه سنة من يوسف وهي السجن، قطعاً ليست في الإمام المهدي ع، لأنه لا يسجن كما هو معروف، بل هي في المهدي الأول (اليماني)، إذن فلا بد أن تتكرر مع المهدي الأول قصة يوسف ع (بل وقصص الأنبياء والأئمة (عليهم السلام))، فتكون الرؤيا محوراً أساسياً لإثبات حقه، كما كانت محوراً أساسياً لإثبات حق يوسف ع.

حال اگر بدانیم که در زمان ظهور امام مهدی ع یوسف، همان وصی ایشان (یمانی) می‌باشد، پس سخن ائمه (عليهم السلام): «**در او سنتی از یوسف است که همان زندان می‌باشد**»، به طور قطع و یقین در مورد امام مهدی ع نمی‌باشد؛ چرا که همان طور که معروف است، ایشان ع زندانی نمی‌شود؛ بلکه این مورد در خصوص مهدی اول (یمانی) صادق می‌باشد. بنابراین باید داستان یوسف ع با مهدی اول نیز تکرار شود (و حتی داستان‌های پیامبران و امامان (عليهم السلام)) و در نتیجه رؤیا، محور اصلی اثبات حقانیت او باشد؛ همان طور که محور اصلی اثبات حقانیت یوسف بود.

• عن عبد الله بن عجلان، قال: (ذكرنا خروج القائم ع عند أبي عبد الله ع فقلت: كيف لنا نعلم ذلك؟ فقال ع: **يصبح أحدكم وتحت رأسه صحيفة عليها مكتوب: طاعة معروفة اسمعوا وأطيعوا**) (E1)، وهذه الصحيفة هي رؤيا رآها النائم قبل أن يستيقظ صباحاً.

• • عبدالله بن عجلان می‌گوید: در حضور ابا عبدالله امام صادق ع یادی از خروج قائم ع به میان آمد. عرض کردم: ما چگونه این موضوع را می‌فهمیم؟ ایشان ع فرمود: «**کسی از شما شب را به صبح می‌رساند در حالی که زیر سرش نامه‌ای است که روی آن نوشته شده است: اطاعتی نیکو؛ بشنوید و اطاعت کنید**». این نامه، همان رؤیایی است که فرد خوابیده پیش از بیدار شدنش صبح‌هنگام می‌بیند.

• عن البيزنطي، قال: (سألت الرضا ع عن مسألة الرؤيا، فأمسك ثم قال ع: **إننا لو أعطيناكم ما تريدون لكان شراً لكم وأخذ برقبة صاحب هذا الأمر** ع) (٢٢)، أي أن الرؤيا مرتبطة برقبة صاحب هذا الأمر، أي أن الرؤيا دليل يدل المؤمنين على المهدي الأول.

• • بزنطي می گوید: از امام رضا ع در مورد مسئله‌ی رؤیا پرسیدیم. ایشان درنگی نمود و فرمود: «**اگر آنچه را می‌خواهید به شما بدهیم، برایتان شرّ می‌شود و گریبان صاحب الامر ع را می‌گیرید**»؛ یعنی رؤیا با گریبان صاحب الامر ارتباط دارد؛ یعنی رؤیا دلیلی است که مؤمنان را به مهدی اول دلالت می‌کند.

• عن أبي بكر الحضرمي، قال: (دخلت أنا وأبان على أبي عبد الله ع وذلك حين ظهرت الرايات السود بخراسان، فقلنا: ما ترى، فقال: **اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا قد اجتمعنا على رجل فانهدوا إلينا بالسلاح**) (٢٣)، واجتماع أهل البيت (عليهم السلام) على رجل في زمن الظهور لا يكون إلا في الرؤيا.

• • ابوبکر حضرمی می‌گوید: من و ابان خدمت ابا عبدالله امام صادق ع رسیدیم و این موضوع زمانی بود که پرچم‌های سیاه در خراسان ظاهر شده بود. عرض کردیم: نظرتان چیست؟ ایشان ع فرمود: «**در خانه‌هایتان بنشینید. آن هنگام که دیدید ما بر مردی اجتماع کردیم، با سلاح به سوی ما بشتابید**». اجتماع و گرد آمدن اهل بیت (عليهم السلام) بر مردی در هنگام ظهور، فقط از طریق رؤیا امکان‌پذیر است.

إذن، فالحكمة من ذكر نبوة يوسف ع وعلاقته مع وحي الله، والرؤيا منه بالخصوص، هو ليستفاد منها الناس والمؤمنون بالخصوص، فالسنة الإلهية لا تتبدل ﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (الفتح: ٢٣).

بنابراین حکمت از بیان کردن نبوت یوسف ع و ارتباط آن با وحی خداوند و به خصوص رؤیای او، بهره‌مند شدن مردم و به ویژه مؤمنان

می‌باشد، و سنت الهی را تغییری نیست. «(این سنت خداوند است که از پیش، چنین بوده، و در سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت)».

فالسجينان كانا مع يوسف ع وأحدهما مؤمن ونجا مع يوسف ع وفاز بخير الدنيا والآخرة، والثاني كافر وصلب وأكلت الطير من رأسه، وكذلك مع عيسى ع أو مع شبيهه عيسى ع (المصلوب) بالخصوص تكرر السجينان وصلبا معه، وأحدهما مؤمن سقي من خمر الجنة بعد صلبه وموته، والثاني كافر صلب وأكلت الطير من رأسه، وهكذا تتكرر القصة على هذه الأرض، وتكرر نفس المقدمات ونفس النتائج والمعطيات ولكن: ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (يس: ٣٠).

دو زندانی همراه یوسف ع بودند؛ یکی از آنها مؤمن بود و با یوسف ع نجات پیدا کرد و به خیر دنیا و آخرت رسید و دومی، کافر بود و به دار آویخته شد و پرنندگان از سرش خوردند. به همین صورت به همراه حضرت عیسی ع یا به طور دقیق‌تر همراه شبیه عیسی ع (که به صلیب کشیده شد) دو زندانی تکرار و به همراهش به صلیب کشیده شدند؛ یکی از آن دو مؤمن بود و پس از به صلیب کشیده شدن و مرگش، از شراب بهشتی سیراب شد و دومی که کافر به صلیب کشیده شد و پرنندگان از سرش خوردند. این داستان همچنان در این زمین تکرار و همان مقدمات انجام و همان نتایج و دست‌آوردها حاصل می‌شود؛ ولی «ای دریغ بر این بندگان! هیچ فرستاده‌ای به سوی آنها نیامد مگر آنکه به سخره‌اش گرفتند!».

[۱] - [منتخب الأنوار المضيئة للسيد بهاء الدين النجفي: ص ۳۱۱، کمال الدين وتمام النعمة: ص ۶۵۴].

([٢]) - (قرب الإسناد: ص ٣٨٠.)

([٣]) - (كتاب الغيبة - النعماني: ص ٢٠٣، بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ١٣٨-١٣٩.)

الفهرس

إضاءات من مسيرة يوسف ع	-
إضاءة من رؤيا يوسف ع	-
إضاءة من فاتحة سورة يوسف	-
إضاءة من قصة ابني آدم وإخوة يوسف ع	-
إضاءة من الجب	-
إضاءة من الابتلاء الواقع في الطريق إلى الله	-
إضاءة من السجن	-
إضاءة من رؤيا ملك مصر	-
إضاءة من نبوة يوسف ع	-
الفهرس	-

والحمد لله رب العالمين